

نامه ارمیا

از مجموعه کتابهای آپوکریفا

گذری بر تاریخ مابین

عهد قدیم و عهد جدید

کاری از کانون راه حیات

مترجم: داود کاظمیان

معرفی

این ۷۲ آیه، یک نسخه از نامه‌ای است که ارمیا برای کسانی فرستاده که توسط نبوکدنصر پادشاه بابل در سال ۵۹۷ قبل از میلاد به عنوان اسیر به بابل منتقل شده بودند. ارمیا این نامه را نوشت تا دستوراتی را که خداوند به او وحی کرده بود به آنها بدهد. این نامه یک دهه قبل از شکست نهایی یهودیان و نابودی اورشلیم ارسال شده است. نامه ارمیا یک موعظه تهیج کننده بر علیه بت پرستی و چند خدایی بر اساس ارمیا فصل ۱۰ و بخصوص آیه ۱۱ است: «خدایانی که آسمان و زمین را نساخته‌اند از روی زمین و از زیر آسمان تلف خواهند شد».

تاریخ نگارش

اگرچه تمام نسخه‌های خطی این نامه به زبان یونانی است، از جمله یک نسخه که در غار قمران کشف شده است، اما احتمالاً این نامه در اصل به زبان عبری یا آرامی بوده و در حدود سال ۳۰۰ قبل از میلاد به نگارش درآمده است.

خلاصه

نامه ارمیا که رساله ارمیا نیز نامیده می‌شود شامل ده هشدار به یهودیان است، که ممکن است جذب بت پرستی شوند؛ این هشدارها سبب آگاهی آنها نسبت به بت پرستی خواهد شد. این نامه در کائن روم به عنوان فصل ششم کتاب باروخ درج شده است.

اگرچه آموزه نامه ارمیا با آموزه‌های کتاب مقدس در مورد رد بت پرستی هیچ تناقضی ندارد، اما این نامه نباید به همان الزام و اقتدار مطالب عهد قدیم و عهد جدید در نظر گرفته شود. این نامه مدتها پس از مرگ ارمیا نوشته شده است و توسط یهودیان به عنوان بخشی از کتاب مقدس پذیرفته نشده است؛ بنابراین کاملاً روشن است که نمی‌توان آنرا در راستای کتاب مقدس یهودیان قرار داد. بسیاری از محققان کتاب مقدس بر این باور هستند که این نامه توسط ارمیا نوشته نشده است، از این رو نویسندگان این نامه کاملاً شناخته شده نیست.

در عوض، متن این نامه به ما کمک می‌کند تا بهتر با دیدگاه یهودیانی

آشنا شویم که تحت تأثیر و کنترل قدرت دولتهای خارج از اسرائیل زندگی می‌کردند که بت پرست بوده و سایر خدایان دیگر را می‌پرستیدند، اما در این نامه به آنها دستور داده شد که همچنان به خداوند متعال وفادار باقی بمانند.

تب‌عید اسرائیل به بابل

۱ نَبُوکَدَنْصَر پادشاه بابل، شما را به خاطر گنا‌هانی که در حضور خدا مرتکب شده‌اید، به عنوان اسیر به بابل می‌برد. ۲ هنگامی که شما وارد بابل می‌شوید، مدت زمان زیادی به اندازه هفت نسل در آنجا خواهید ماند. پس از آن، من شما را از آنجا به شکلی مسالمت آمیز بیرون خواهم آورد. ۳ در بابل، شما خدایانی از نقره، طلا و چوب خواهید دید که آنها را بر روی شانه بابلی‌ها نشان می‌دهند. این خدایان در میان مردم ایجاد ترس و خوف می‌کنند. ۴ مواظب باشید که شما همانند این بت پرستان^۱ نشوید و اجازه ندهید که ترس این خدایان شما را فرا بگیرد. ۵ به ویژه هنگامی که جمعیت زیادی از مردم را می‌بینید که در پیش و پس آنها راه می‌روند، و آنها را پرستش می‌کنند. بلکه به خودتان بگویید، پروردگارا، ما خواهان عبادت تو هستیم. ۶ زیرا فرشته خدا در کنار شماست، و باطن شما را امتحان می‌کند.

ناتوانی بت‌ها

۷ دهان بت‌ها توسط یک نجار مسدود شده است. آنها با طلا و نقره پوشانده شده‌اند، اما دروغین هستند و قادر به صحبت هم نیستند. ۸ بت پرستان تاج‌هایی از طلا می‌سازند و بر سر خدایان خود می‌گذارند، درست مثل دختری که عاشق زیور آلات است. ۹ کاهنان آنها نیز گاهی به طور مخفیانه، طلا و نقره را از سر خدایان خود بر می‌دارند تا آنرا خرج عیاشی خودشان کرده و در عشرتکده‌ها به روسپی‌ها بدهند. ۱۰ آنها بدن این خدایان ساخته شده از نقره، طلا و چوب را درست مثل مردم با لباس می‌پوشانند. اما این بت‌ها را نمی‌توان از زنگ زدگی و پوسیدگی نجات داد. ۱۱ حتی اگر بت‌ها را با لباس‌های ارغوانی فاخر بپوشانند، باز هم باید صورت بت‌ها را هر روز تمیز کنند زیرا صورت آنها از گرد و غبار معبد پوشانده می‌شود. ۱۲ بعضی از بت‌ها مانند قاضی یک منطقه، دارای یک عصای سلطنتی^۲ هستند، اما بت نمی‌تواند برای کسی که مجرم است حکم صادر کند. ۱۳ برخی دیگر یک دشنه یا یک تبر در دست راست خود دارند اما حتی نمی‌توانند از خود در

۱ - غیر یهودیان.

۲ - عصای سلطنتی نشانه اقتدار است.

جنگ یا در مقابل سارقان دفاع کنند. ۱۴ کاملاً واضح است که آنها خدایان نیستند، بنابراین از آنها نترسید.

۱۵ درست همانطور که ظروف یک شخص پس از شکستن، بی فایده است؛ به همین دلیل بُتها نیز پس از قرار گرفتن در معابد، بی فایده هستند. ۱۶ چشمان آنها پر از گرد و غباری است که از پای بازدید کنندگان برخاسته است. ۱۷ وقتی یک مجرم برای انجام کار نادرست نسبت به پادشاه به اعدام محکوم می‌شود، تمام درهای محل نگهداری او قفل می‌شود، به همین صورت کاهنان نیز درب معابد را برای حفاظت بُتها از دست دزدان و راهزنان قفل می‌کنند. ۱۸ کاهنان برای بُتها چراغهای بیشتری نسبت به خودشان روشن می‌کنند، اما این خدایان نمی‌توانند آنها را ببینند. ۱۹ اهمیت بُتها برای معابد همانند اهمیت ستون برای خانه است، اما با وجود اینکه بُتها و لباسهایشان توسط حشرات و خزندگانی که در معابد هستند خورده می‌شود، باز مردم می‌گویند که قلبشان برای آنها می‌تپد. ۲۰ چهره آنها توسط دود موجود در معبد تیره شده است. ۲۱ خفاش‌ها، پرستوها، پرندگان و گربه‌ها از سر و بدن آنها بالا می‌روند. ۲۲ از این دلایل می‌فهمید که آنها خدایان نیستند؛ پس از آنها نترسید.

۲۳ با اینکه آنها به زیبایی با طلا پوشانده شده‌اند، اما اگر مردم آنها را هر روزه پاک نکنند و صیقل ندهند هیچ درخششی نخواهند داشت. وقتی آنها ساخته می‌شدند هیچ گونه احساسی نداشتند. ۲۴ با اینکه آنها با هزینه‌های بسیار بالایی ساخته شده‌اند اما قادر به نفس کشیدن نیستند. ۲۵ از آنجایی که پا ندارند، دیگران آنها را بر روی شانه‌های خود گذاشته و حمل می‌کنند و بی ارزش بودنشان را به همه مردم نشان می‌دهند. خادمین آنها شرمند هستند، زیرا بُتها به زمین می‌افتند مگر اینکه آنها را ثابت کرده و سرپا نگه دارند. ۲۶ اگر کسی بُتی را سرپا نگه دارد آن بُت هرگز قادر به حرکت نخواهد بود. و اگر کسی آنها را کج کند قادر به صاف کردن خودش نیست. با این حال مردم هدایای خود را در مقابل آنها قرار می‌دهند درست مثل اینکه به مردگان هدیه می‌دهند!

بی ارزش بودن بُتها

۲۷ کاهنان آنها از هدایای تقدیم شده به بُتها سوء استفاده می‌کنند، آنها این هدایا را فروخته و پول آنها را برای خودش خرج می‌کنند. همسرانشان نیز

برخی از گوشت‌های قربانی را برای خودشان جدا کرده و آنرا بین فقیران و معلولین قسمت نمی‌کنند. زنانی که عادت ماهانه دارند یا تازه بچه به دنیا آورده‌اند خودشان قربانیهای خود را به بُتها تقسیم می‌کنند. ۲۸ شما از این چیزها می‌فهمید که آنها خدایان نیستند؛ پس از آنها نترسید.

۲۹ پس چرا آنها را خدایان خطاب می‌کنید؟ چنانچه زنان در مقابل این خدایان ساخته شده از نقره، طلا و چوب غذا می‌گذارند؟ ۳۰ یا چنانچه کاهنان آنها در معابد خود با لباس‌های پاره و سر و ریش تراشیده نشسته و بر سرشان هیچ پوششی نیست؟ ۳۱ آنها در مقابل خدایان خود ضجه و فریاد می‌زنند همانطور که بعضی‌ها در مراسم تشییع جنازه برای مرده‌ها چنین می‌کنند. ۳۲ با این حال، کاهنان لباس خدایان خود را برداشته و برای زنان و فرزندان‌شان لباس می‌دوزند.

۳۳ خواه کسی با این خدایان به بدی یا به خوبی رفتار کند آنها قادر به جبران آن نیستند. آنها قادر به منصوب کردن یا عزل هیچ حاکمی نیستند. ۳۴ آنها حتی نمی‌توانند کسی را صاحب پول یا ثروت کنند. ۳۵ اگر کسی عهد مهمی با آنها ببندد و نتواند آن را حفظ کند، آنها نمی‌توانند آن شخص را مجبور به اجرای آن کنند. ۳۵ آنها نمی‌توانند شخصی را از مرگ نجات دهند یا یک شخص ضعیف را از دست یک شخص قوی نجات دهند. ۳۶ آنها نمی‌توانند چشم نابینایان را به آنها بازگردانند یا یک فرد را در شرایط اضطراری نجات دهند. ۳۷ آنها نمی‌توانند به یک بیوه رحم نشان دهند و حتی نمی‌توانند کار مفیدی برای یک یتیم انجام دهند. ۳۸ این چیزهای خوبی که از طلا و نقره پوشیده شده‌اند مانند سنگهای کوه هستند؛ و خادمین آنها تحقیر خواهند شد. ۳۹ پس چرا باید کسی به آنها اهمیت داده و یا آنها را خدایان بنامد؟

۴۰ با وجود اینکه کلدانیان برای این بُتها احترام قائل نیستند؛ باز وقتی کسی را می‌بینند که قادر به حرف زدن نیست، آنها بعل^۲ را می‌آورند و از بعل می‌خواهند کاری کند که آن شخص حرف بزند. ۴۱ اما حتی پس از مشاهده این، خود کلدانیان باز هم با وجود اینکه این بتها هیچ احساس و درکی ندارند قادر به رها کردن آنها نیستند. ۴۲ زنان، با طنابی که به دور خودشان پیچیده‌اند در کنار خیابان‌ها می‌نشینند و پوست ذرت را به عنوان

بخور می‌سوزانند. ۴۳ و هنگامی که یکی از این زنان به وسیله شخص دیگری برای هم بستر شدن برده می‌شود، با تمسخر به زنی که در کنار او نشسته است می‌گوید، زنان دیگر به اندازه او شایسته نبودند با وجود اینکه به اندازه آنها جذاب نبوده و طنابش نیز پاره نشده بود. ۴۴ همه چیزهایی که برای این خدایان انجام می‌شود، ساختگی و دروغین است. پس چرا باید کسی به آنها اهمیت داده و یا آنها را خدایان بنامد؟

۴۵ نجارها و زرگران آنها را می‌سازند. بئها فقط می‌توانند طرحی باشند که آنها می‌خواهند باشند. ۴۶ خود سازندگان آنها نمی‌توانند به مدت طولانی زندگی کنند، پس چگونه می‌توان کار دست آنها را خدایان نامید؟ ۴۷ این طراحان و سازندگان برای کسانی که بعد از آنها می‌آیند، چیزهایی دروغین و مایوس کننده بجا می‌گذارند. ۴۸ وقتی که جنگ یا یک فاجعه اتفاق می‌افتد، کاهنان با یکدیگر در مورد جایی که ممکن است با بئها مخفی شوند مشورت می‌کنند. ۴۹ پس دیگر چه دلیلی دارد که شخص فکر کند آنها هنوز خدایان هستند؟ آنها حتی نمی‌توانند خودشان را از جنگ و سایر بلایا نجات دهند. ۵۰ پس از یک چنین حوادثی، بتهایی که از چوب ساخته شده و از طلا و نقره پوشیده شده‌اند فقط می‌توانند خدایان دروغین باشند. برای ملت‌ها و حاکمان کاملاً روشن خواهد شد که آنها خدایان نیستند بلکه خلقت دست انسان هستند. در مورد آنها هیچ چیز الهی وجود ندارد. ۵۱ آیا باز هم کسی هست که متوجه نشود آنها خدایان نیستند؟

۵۲ آنها هرگز نمی‌توانند حاکمی را بر یک کشور منصوب کنند یا فراهم کننده باران برای مردم باشند. ۵۳ آنها نه تنها نمی‌توانند در مورد خودشان حکمی صادر کنند بلکه حتی نمی‌توانند کسانی را نجات دهند که بیگناه متهم شده‌اند، زیرا بتهای فاقد قدرت و اقتدار هستند. آنها مانند کلاغ‌ها در بین آسمان و زمین سرگردان هستند. ۵۴ وقتی که خانه خدایان چوبی آنها که با طلا و نقره پوشانده شده در آتش می‌سوزد، کاهنان آنها از مهلکه فرار کرده و خودشان را نجات می‌دهند، اما خدایان آنها مانند تیرهای چوبی نابود می‌شوند. ۵۵ بتهای نمی‌توانند در هنگام جنگ در مقابل پادشاهان و دشمنان ایستادگی کنند. ۵۶ پس چرا باید کسی به آنها اهمیت داده و یا آنها را خدایان بنامد؟

۵۷ خدایان چوبی که با طلا و نقره پوشانده شده‌اند نمی‌توانند از خودشان در مقابل دزدان و راهزنان دفاع کنند، آنها نیز طلا و نقره و لباسهایی را که بئها

پوشیده‌اند با خود خواهند بُرد. این خدایان قادر به محافظت از خود نخواهند بود. ۵۸ بهتر است شخص یک حاکم شجاع و یا دارای ظروف خانگی باشد حداقل صاحبش از آنها بهتر از یک خدای دروغین استفاده می‌کند. درب یک خانه بهتر از یک خدای دروغین از وسایل خانه در مقابل سارقان نگهداری می‌کند. یک تیرک چوبی در یک کاخ بهتر از این خدایان دروغین است.

قدرت خدای اسرائیل

۵۹ خورشید، ماه و ستاره‌ها درخشان هستند ولی وقتی به آنها دستور داده می‌شود، با کمال میل اطاعت می‌کنند. ۶۰ همچنین رعد و برق به طور گسترده دیده می‌شود و وقتی برق می‌زند توجه را جلب می‌کند. باد هم در هر سرزمینی مشغول وزیدن است. ۶۱ هنگامی که خدا به ابرها فرمان می‌دهد که در سراسر جهان حرکت کنند، آنها از این فرمان اطاعت می‌کنند. وقتی آتش از بالا فرستاده می‌شود تا کوه‌ها و جنگل‌ها را از بین ببرد، کاری را که به آن فرمان داده شده است به انجام می‌رساند. ۶۲ اما بُتها با چنین نیروهای طبیعی در ظاهر و توانایی قابل مقایسه نیستند. ۶۳ در کل هیچ دلیلی برای باور آنها و یا آنها را خدایان نامیدن نیست. آنها نه قادر به انجام کار خیر برای کسی هستند و نه می‌توانند کسی را دآوری کنند. ۶۴ از آنجاییکه شما می‌دانید آنها خدایان نیستند، پس از آنها نترسید؟

۶۵ آنها نمی‌توانند فرمانروایان را لعنت کنند یا برکت دهند. ۶۶ آنها نمی‌توانند نشانه‌هایی را در آسمان در بین ملتها نشان دهند یا مانند خورشید بدرخشند یا مانند ماه نور بدهند. ۶۷ حیوانات از بُتها بهتر هستند، زیرا آنها قادر به پیدا کردن سرپناه و کمک به خودشان هستند. ۶۸ برای ما کاملاً روشن است که بُتها خدایان نیستند. پس از آنها نترسید.

۶۹ همانطور که یک مترسک در مزرعه خیار قادر به حفاظت از آن نیست، بتهایی که از چوب ساخته شده و از طلا و نقره پوشیده شده‌اند نیز همینطور هستند. ۷۰ به همین شکل، خدایان چوبی آنها که با طلا و نقره پوشانده شده است را می‌توان با یک بوته خار مقایسه کرد که یا پرندگان بر آن می‌نشینند یا مانند جسد یک مرده به گور انداخته می‌شود. ۷۱ از لباس ارغوانی و کتان آنها^۴ که پوشیده و بر آنها فرو می‌ریزد، شما خواهید دانست که آنها

خدایان نیستند. بعدها خود آنها نیز پوسیده و از پا در خواهند آمد، و این باعث شرمساری در این سرزمین خواهد بود.

۷۲ بنابراین بهتر است یک شخص پارسا و فاقد بُت باشید؛ زیرا یک چنین شخصی هرگز شرمسار و رسوا نخواهد شد.